



## Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



### Research Paper

doi 10.22059/JHSS.2022.345910.473580

## Historical, Religious and Political Insights of the Author of *Mawāheb-e Elāhi*

Jamshid Noroozi<sup>1,\*</sup>, Mozghan Sadeghifard<sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of History, Alzahra University
2. Ph.D. Graduate, Department of history

### Article Info.

Received: 2022/07/08

Accepted: 2022/07/24

#### Keywords:

Āl-e Muzaffar, *Mawāheb-e Elāhi*, Mu'in al-Din Yazdi, historiography, historical insight

### Abstract

*Mawāheb-e Elāhi* is one of the most important circles of post-Ilkhanid historiography, which has become the source of many works of the Timurid era in understanding the turbulent situation of the 8th century AH and some local governments of this era, and is the result of the special vision and attitude of Mu'in al-Din Yazdi, the jurist and who was also the historian of Āl-e Muzaffar's court (718-795 AH). The main question of this article is, what were the most prominent aspects of Mu'in al-Din Yazdi's intellectual insight and mental attitude while writing this work? Based on the library study, the results of this descriptive-analytical research indicate that the historiographical method of Yazdi in *Mawāheb-e Elāhi* is to be considered as the continuation of the historiographical method in the Ilkhanid period partially derived from the previous era that influenced by Iranian-Islamic historiography as well as similarities such as the Irānshahri thought, Yazdi's vision and method should be considered as the continuation of the historiographical traditions practiced in the previous era. Yazdi's thought line in *Mawāheb-e Elāhi* is mostly based on historical, religious and political insights. Another important finding of the article is that Yazdi, as a prominent religious jurist, started writing history with the orders of the Muzaffari rulers, whose most important features are predestination, sharia-based and monarchy-oriented. The court historian of Āl-e Muzaffar, tries to prove their legitimacy in line. Yazdi's special insight towards history, the universe with a special perspective and sees the goals of history as instructing and reaching the truth and presenting moral teachings. His view of historical events is linear, and the origin and destination must be divine and in the service of God. Yazdi considers the following as the most important characteristics of a good government: relying on the power of the sword, gradually gaining success, ignoring despair during hardships, and relying on wisdom.

\*Corresponding Author: E-mail: [J.noroozi@alzahra.ac.ir](mailto:J.noroozi@alzahra.ac.ir)

#### How To Cite:

Noroozi, J., Sadeghifard, M., P. (2022), Historical, Religious and Political Insights of the Author of *Mawāheb-e Elāhi*. Journal Of Historical Sciences Studies. 14(1): 17-34



## بینش تاریخی، اعتقادی و سیاسی نویسنده «مواهب الهی»

جمشید نوروزی<sup>۱\*</sup>، مژگان صادقی فرد<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا

۲. دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷	مواهب الهی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های تاریخ‌نگاری پسا ایلخانی، که به منبع بسیاری از آثار عصر تیموری در شناخت اوضاع پرآشوب سده هشتم هجری و برخی حکومت‌های محلی این دوران تبدیل شده، حاصل بینش و نگرش معین‌الدین یزدی، فقیه و مورخ دربار آل مظفر (۷۹۵-۷۱۸ق) است. سوال اصلی این نوشتار، آن است که برجسته‌ترین وجوه بینش فکری و نگرش ذهنی معین‌الدین یزدی در هنگام نگارش اثر، چه مواردی بوده‌است. یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخان‌های انجام گرفته، نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری یزدی در مواهب الهی، ادامه تاریخ‌نگاری دوره ایلخانی بوده که خود تا حدی متأثر از تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی دوران قبل است. نظام اندیشه‌ای معین‌الدین یزدی در مواهب الهی، بیشتر مبتنی بر بینش‌های تاریخی، اعتقادی و سیاسی تمرکز یافته است. دیگر یافته مهم مقاله، آن است که یزدی به عنوان فقیه دینی با دستور حاکمان مظفری، اقدام به نگارش تاریخی نموده که مهم‌ترین شاخصه‌های آن تقدیرگرایی، شریعت‌مداری و سلطنت‌محوری است. مورخ دربار آل مظفر با چنین رویکردهای فکری، سعی می‌کند مطابق انتظار مخدومان مظفری خویش، به اثبات مشروعیت آنان بپردازد. یزدی با نگاه خاصی به تاریخ و جهان هستی نگریده و اهداف تاریخ را مواردی چون عبرت‌آموزی و رسیدن انسان مختار اندیشمند به حقیقت و ارائه آموزه‌های اخلاقی می‌داند. نگاه وی به حوادث تاریخی، خطی است و مبدأ و مقصد مشخص و مسیر، باید در خدمت خداوند باشد. یزدی، تکیه بر قدرت شمشیر، کسب تدریجی موفقیت، بی‌توجهی به یأس در هنگام سختی‌ها، و تکیه بر خرد را از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مطلوب می‌داند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹	
واژه‌های کلیدی: آل مظفر، مواهب الهی، معین‌الدین یزدی، تاریخ‌نگاری، بینش تاریخی.	

\* رایانامه نویسنده مسئول: [J.noroozi@alzahra.ac.ir](mailto:J.noroozi@alzahra.ac.ir)

استناد به این مقاله:

نوروزی، جمشید؛ صادقی فرد، مژگان. ۱۴۰۱، بینش تاریخی، اعتقادی و سیاسی نویسنده «مواهب الهی». فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی.

۱۷-۳۴: (۱)۱۴

## ۱. مقدمه

حملات هراس‌انگیز مغولان و حکومت برآمده از آن یعنی ایلخانان (۷۳۶-۶۵۴ق)، با وجود آن که ضربه سهمگینی بر تمدن و فرهنگ ایران زمین وارد نمود، اما از برخی ابعاد آن همچون تاریخ‌نگاری تأثیرات مثبتی بر جای نهاد. تاریخ‌نگاری، از شاخص‌ترین ویژگی‌های فرهنگی عهد ایلخانان محسوب می‌شود و از حیث کمیت و کیفیت آثار تاریخی، از ادوار پرفروغ این حوزه است.

در عهد مغولان در مقایسه با دوران قبل، قسمت اعظم گزارش‌های وقایع‌نامه‌های تاریخ ایران به زبان فارسی و با غنای درخور نوشته‌شد. این رشد، متأثر از عواملی چون علاقه‌مندی مغول‌ها به تاریخ و ثبت گزارش‌های تاریخی، وقوع رویدادهای مهم در این دوره، برخورد افکار و آگاهی‌های مختلف و ایجاد روابط با ملل اروپایی و دربارهای مسیحی و البته ذوق مورخان فاضل و نکته‌سنجی چون جوینی، رشیدالدین فضل‌ا... و وصاف بود (مرتضوی، ۱۳۹۷: ۳۷۶-۳۷۱). با این اوصاف، بحث از بینش تاریخ‌نویسی هر یک از مورخان می‌تواند به درک و شناخت بهتر از یک دوره تاریخی و محتوای منابع منتج گردد. هر مورخی از جمله معین‌الدین یزدی، دارای بینش خاص خود در تاریخ‌نگاری است و رویدادهای تاریخی را از زاویه دید خویش می‌نگرد و ارائه می‌دهد.

*مواهب الهی* که به‌عنوان اولین و مهم‌ترین اثر درباره آل مظفر و حتی آل اینجو و مناطق تحت سیطره اینان پس از فروپاشی ایلخانان مغول نوشته شده را بایستی جزو تاریخ‌نگاری دودمانی-محلّی به‌حساب آورد که ویژگی‌های هر دو نوع تاریخ‌نگاری را دارد. این اثر، از یکسو تاریخ دودمانی است که مؤلف در خصوص یک سلسله خاص (آل مظفر) از ابتدا و با اشاره به نام غیاث‌الدین حاجی خراسانی به‌عنوان نخستین فرد این خاندان تا شرح کشمکش میان شاه‌شجاع و شاه محمود مظفری (۷۶۷-۷۶۶ق)، بر اساس ترتیب و توالی زمانی اقدام به شرح وقایع می‌کند و به‌لحاظ آن که غالباً شاهد حوادث بوده، اطلاعات ارزشمندی را پیرامون رویدادهای متعدد این دوران ارائه می‌دهد؛ و از سوی دیگر آن را باید در زمره تواریخ محلّی نیز به‌حساب آورد که به‌توصیف وقایع، اوضاع و اخبار محدوده نواحی تحت سیطره آل مظفر یعنی کرمان و فارس و به‌ویژه یزد که معین‌الدین یزدی بدان تعلق خاطر نیز دارد، شرح‌حال افراد و اندیشمندان پرآوازه علم و ادب خاصه علمای دینی این نواحی، اطلاعات جغرافیایی و کیهانی، معماری و... می‌پردازد. در *مواهب الهی*، تأکید بر عنصر جغرافیا کاملاً هویدا است.

مسئله اساسی این پژوهش، شناخت بینش، نگرش و جهان‌بینی معین‌الدین یزدی نسبت به هستی، تاریخ، وقایع تاریخی، و اوضاع سیاسی زمانه در ضمن نگارش کتاب *مواهب الهی* است. همچنین، واکاوی اندیشه‌های حاکم بر ذهن معین‌الدین یزدی، گرایش‌ها، باورها و تمایلات، و بازشناسی خاستگاه و موقعیت سیاسی-اجتماعی وی، از دیگر اهداف این مقاله است. به‌واقع آنچه در تاریخ‌نگاری مورخ مذکور حائز اهمیت است، اندیشه، درک و شناخت معین‌الدین یزدی از تاریخ است که در قلمرو فلسفه نظری تاریخ جای می‌گیرد. افزون بر این، تحلیل و ارزیابی موضوعات مورد توجه معین‌الدین و تبیین این نکته که چرا چنین مباحثی، دغدغه‌های فکری و ذهنی او را در این عصر تشکیل داده، قابل‌اعتناست. با این اوصاف، نگارندگان این نوشتار به دنبال پاسخگویی به دو سوال هستند: از جمله آن که، مهم‌ترین نگرش‌های حاکم بر اندیشه مورخ رسمی درباره آل مظفر کدام است؟؛ به نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی چون باورها و تمایلات مؤلف، تأثیراتی عمیق بر چگونگی تاریخ‌نگاری وی به‌جای نهاده است. پرسش دیگر آن که، آیا معین‌الدین یزدی در هنگام گزارش وقایع در پی علت‌یابی و چرایی شکل‌گیری هر حادثه است یا نگرشی مشیت‌گرایانه از سوی او، پاسخی است بر وقوع حوادث تاریخی؛ فرض بر این است که با توجه به

آن‌که یزدی به عنوان اندیشمند دینی به نگارش تاریخی سفارشی اقدام نموده، پرداختن به بحث تقدیرگرایی و عدم علت‌یابی حقیقی از سوی وی دنبال شده‌است.

از کتاب *مواهب الهی* به غیر از مقدمه‌ای که مصحح در ۶۰ سال قبل به صورت مختصر آورده، هیچ پژوهشی در باب محتوای تاریخی آن صورت نگرفته است. در مقاله حاضر، فقط بخش منتشر شده کتاب که وقایع را از ابتدای خاندان آل مظفر تا فتح شیراز در سال ۷۵۴ق شرح می‌دهد، مورد بررسی محتوایی و موضوعی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که بخش چاپ شده این اثر، همچنان دارای مشکلات فراوان در حیطه تصحیح است که فهم آن را برای هر خواننده‌ای دشوار می‌سازد. در نتیجه نگارندگان این مقاله در نوشتن بخشی از این نوشتار، از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی با عنوان *شرح مشکلات کتاب مواهب الهی از پروین محمودی میمند که به تصحیح دقیق‌تر کتاب مواهب الهی اقدام نموده، (محمودی میمند، ۱۳۸۵)* و نیز رساله دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی با عنوان *شرح دشواری‌های جلد اول مواهب الهی در تاریخ آل مظفر از پیوند بالانی (بالانی، ۱۳۹۱)*، بهره برده‌اند. این رساله و پایان‌نامه، به شرح دشواری‌های موجود در لغت‌ها، اصطلاحات، عبارت‌ها، جمله‌ها و اشعار در بخش منتشر شده *مواهب الهی* پرداخته‌اند.

برخی از آثار تحقیقی موجود نیز، بیشتر روی کاستن از مشکلات نشر و سبک متکلف آن تمرکز کرده‌اند. مقاله «مواهب الهی، نیم قرن انتظار تصحیح» از حمیدرضا دالوند، به سبک متکلف و مصنوع و مشکلات تصحیح اول و نسخه‌های متعدد *مواهب الهی* اشاره دارد (دالوند، ۱۳۸۳). در کتاب *تاریخ آل مظفر حسینقلی ستوده* نیز، شرح کوتاه زندگی سیاسی و علمی معین‌الدین یزدی و اشاره به متن پیچیده *مواهب الهی* مورد توجه قرار گرفته است (ستوده، ۱۳۴۶: ۲/۱-۳). به نظر می‌رسد به دلیل سبک به شدت مصنوع و فنی این اثر ارزشمند، رغبت چندانی از سوی پژوهشگران به پژوهش درباره محتوای آن نشان داده نشده‌است.

## ۲. حیات سیاسی، دیوانی و علمی معین‌الدین یزدی

معین‌الدین علی بن مولانا جلال‌الدین محمد یزدی، مشهور به معلم یزدی، از فقها و مدرسین برجسته آن زمان، ظاهراً در اوایل دهه نخست قرن هشتم هجری زاده شد. به نوشته معین‌الدین یزدی، پدرش از اکابر علما و از همراهان امیرمبارزالدین محمد مظفری- از جمله حاضران در ملاقات امیر با شیخ ابواسحاق اینجو- بوده‌است (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۹۴). یزدی که از اشاعه‌دهندگان اندیشه حکومت دینی امیرمبارزالدین بود، مقدمات علوم ظاهری را در یزد فراگرفت و نزد قاضی عضدالدین ایچی-اندیشمند بزرگ زمان- شرح اصول حاجب، کشف زمخشری و مفتاح‌العلوم سکاکی و دیگر کتب کلامی و اصولی و تفسیری را آموخت (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۲۴۳). بنا به نوشته صاحب *مواهب الهی* با تشویق امیرمبارزالدین محمد، مؤسس سلسله آل مظفر، نگارش تاریخ آل مظفر را ادامه داد (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۵-۱۷). و ذیل وقایع راجع به آل مظفر را تا سال ۷۶۶ق، یعنی یکسال بعد از فوت امیرمبارزالدین آورده و در این موقع کتاب را به نام شاه‌شجاع به‌وی تقدیم نموده‌است (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۹: مقدمه). معین‌الدین یزدی چنان جایگاهی در ساختار دیوانی حکومت آل مظفر داشت که حتی به‌عنوان واسطه صلح میان امرای مظفری نقش ایفا می‌نمود (کتبی، ۱۳۶۴: ۸۷). و اما در مورد چرایی انتخاب نام کتاب به نوشته معین‌الدین در مقدمه کتابش، عزالدین ابراهیم زرقانی، یکی از مشایخ صوفیه شیراز، اثر را «مواهب الهی» نام نهاد (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۹). در نهایت این مورخ رسمی دربار مظفری در سال ۷۸۹ق، وفات یافت و در گنبدخانه مسجدی در موضع دشتوک یزد، که از بناهای خودش بود، دفن گردید (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۴۸).

پژوهش درباره تاریخ‌نگاری نه تنها برای شناخت روش‌ها و آرای مورخان و واکاوی نقادانه منابع هر دوره تاریخی ضروری است، بلکه راهی است برای درک زمانه زیست مورخ. نگارش *موهوب الهی*، به‌دوران میان سقوط ایلخانان تا برآمدن تیموریان برمی‌گردد. این دوران را می‌توان از لحاظ سیاسی عصر تشنه قدرت و ظهور حکومت‌های متعدد محلی در فقدان حکومت متمرکز و منسجم و از لحاظ اجتماعی، عصر بیدادگری، حق‌کشی، کشتار، ویرانی، غارت، ظلم و ستم و فقر، فساد، ریاکاری و سقوط ارزش‌های اخلاقی دانست. عصری که پیامدهای حمله و حکومت مغولان خود را آشکارا نشان می‌داد و امرایی که در این آشفته بازار سیاسی - اجتماعی بر سریر قدرت قرار می‌گرفتند، هر یک برای تثبیت و گسترش حکومت خویش از هیچ‌گونه عملی پرهیز نمی‌نمودند. حال در این وضعیت، امیرمبارزالدین محمد، مؤسس سلسله آل مظفر (۷۱۸-۷۹۵ق)، همچون مخدومان ایلخانی خویش که در دربار آنان رشد و نمو یافته بود، دستور نگارش تاریخ سلسله خویش را صادر نمود. زمانه نگارش *موهوب الهی*، دوران اوج قدرت مظفریان به حساب می‌آید. در این زمان، امیرمبارزالدین موفق به فتح شیراز و برقراری آرامش نسبی بعد از فروپاشی ایلخانان شد و این‌چنین در بحبوحه این فتح بزرگ، فرصتی مناسب برای ثبت آوازه و نام خاندان آل مظفر به درخواست خود آنان فراهم گردید. افزون بر این در زمانه سربرآوردن حکومت‌های مختلف محلی در گوشه و کنار مملکت، دفاع و مشروعیت بخشی از این سلاله‌های محلی برای هر یک از آنان جهت تثبیت و گسترش حکومت، اهمیت فراوان داشت.

### ۳. بینش و نگرش تاریخی

در تاریخ‌نگاری، محقق در جستجوی بینش مورخان و نگرش حاصل از بینش آنان به تاریخ است. جهان‌بینی مورخان، حاصل حیات فکری جامعه، تجربه‌های شخصی، دانش‌ها، اعتقادات دینی و فرهنگ پیشینیان است که ذهنیات آنان را درگیر نموده است (ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۵: ۲-۳). به‌واقع بینش تاریخی، اساساً رویکرد و نگرش یک مورخ است که رخدادهای تاریخی را از آن منظر خاص، بررسی می‌کند.

#### ۳-۱. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی، علم توجیه باورها، حتی مدلل ساختن و شاهد آوردن بر اعتقادات است. مسائل و مباحث معرفت‌شناسی به‌دلیل بنیادی بودن‌شان، همه باورها، از جمله شناخت‌های دینی و اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (فیاضی، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۳). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معرفت، دانستن رابطه‌ای است میان یک سوژه ذی‌شعور و یک آبژه؛ در حالی که آن آبژه بخشی از واقعیت است و در این رابطه سوژه به آبژه می‌اندیشد (زاگربسکی، ۱۳۹۲: ۱۷). حال، تحلیل معین‌الدین یزدی یا همان سوژه پیرامون تاریخ، انسان و حکومت به عنوان آبژه‌های مورد توجه‌اش، با بررسی *موهوب الهی* به‌ویژه مقدمه آن امکان‌پذیر است. یزدی در نگارش مقدمه *موهوب الهی* نسبت به متن اصلی، روشی کاملاً متفاوت در پیش گرفته است و نگاهی معرفت‌شناسانه و فلسفی به موضوعات گوناگون دارد.

#### ۳-۱-۱. تاریخ و اهداف آن

از شاخص‌ترین موضوعات معرفت‌شناسی در علم تاریخ، چگونگی دیدگاه مورخ پیرامون تاریخ است. معین‌الدین یزدی در مقدمه نسبتاً طولانی *موهوب الهی* در باب تاریخ، حقیقت آن و فواید دانستن آن مطالبی را مطرح می‌کند. تعریف معین‌الدین

یزدی به‌عنوان فقیه دینی از تاریخ، بسیار قابل توجه است. وی در مقدمه اثر خویش، تاریخ را در دسته خطابیات قرار داده و می‌نویسد: «خامه‌ای که جز ذکر یقینیات نشنیده بود به اختراع امور خیالی مأمور گشت و قلمی که جز حل مشکلات و برهانیات نکرده بود به انشاء خطابیات فرموده شد» (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۸-۱۷). چنان که می‌دانیم برهان، خطابه و جدل، سفسطه و شعر از صناعات پنج‌گانه ارسطویی است. در برهان، قیاسی است تشکیل شده از یقینیات؛ بنابراین نتیجه آن نیز یقینی است. حاصل این قیاس نیز کشف حقیقت و رهنمون شدن به واقعیات عالم است (حکاک، ۱۳۹۸: ۳۷). حال طبق نوشته معین‌الدین یزدی، او به عنوان عالم برجسته دینی این دوران، تا قبل از مأموریت یافتن برای نوشتن تاریخ، به ذکر یقینیات پرداخته و به حل برهانیات. اما با دستور نگارش تاریخ خاندان مظفری، زین پس وظیفه‌اش نه ذکر یقینیات بلکه بیان خطابیات است.

خطابه در بین صناعات خمس، بهترین صنعت در ایجاد تصدیق اقناعی در عامه مردم است (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۱: ۵۳۰/۱). طبق نظر اهل منطق، فنی است که با آن می‌توان مردم را به تصدیق امری قانع کرد. نیاز به خطابه از آن روست که نمی‌توان با بیشتر مردم به علت ضعف قوه و کمی علم و غلبه احساسات از برهان سخن گفت. با این توضیح مشخص است که ماده خطابه، یقینیات نیست؛ بلکه مقبولات، مظنونات و مشهودات ظاهری است (حکاک، ۱۳۹۸: ۳۹-۳۸). مردم به خطابه بیشتر عادت دارند تا برهان و استدلال که نیاز به درک و فهم و زمان بیشتری دارد. در نتیجه هدفی که معین‌الدین یزدی در نگارش تاریخ *موهوب‌الهی* در پیش گرفت، اقناع مخاطب است نه کشف حقیقت. با این اوصاف معین‌الدین یزدی به عنوان یک خطیب و سخنوری کامل و با فن بلاغت و معانی و بیان، اقدام به نگارش تاریخ نمود.

طبق اندیشه معین‌الدین یزدی، هدف از نگارش تاریخ، جاودان نمودن افراد و باقی نهادن نام و رسم خاندان‌هاست. چنانچه وی کتاب تاریخ یمینی عتبی را موجب ماندگاری خاطره سلطنت محمود غزنوی و تاریخ صابی را سبب جاودان ماندن خاطره آل بویه می‌پندارد. همچنین هدف دیگر ذکر سیر و تواریخ، ثبت مثالب (عیب و نقص) و مناقب (سجایای پسندیده) افراد است تا خردمند دولتیاری بدان تأسی کند و نیک‌بخت گردد (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۹-۸). افزون‌براین، متون تاریخی به نگارش درآمده در سرزمین‌های اسلامی و از جمله ایران همسانی‌هایی همچون پندآموزی را نشان می‌دهند (امیرخانی، ۱۳۹۵: ۱۶). بدون تردید، بینش معین‌الدین یزدی درباره هدف دیگر تاریخ، عبرت‌آموزی آن است. او بارها در نگارش *موهوب‌الهی*، این هدف را دنبال نموده و در جای جای اثر خویش به ارائه پند و اندرزهایی خطاب به همگان خاصه حکومت‌گران مشغول شده‌است. اندرزهایی که مفاهیم عالی اخلاقی و انسانی را دربردارد. به موعظه‌ها و اندرزهای یزدی در *موهوب‌الهی*، از دو نگرش خردمندانه و شریعت‌مدارانه می‌توان نگرست. یزدی از یکسو، به ارائه نصایحی مطابق عقل و آگاهی انسان دست می‌زند که نشان‌دهنده اندیشه والای او در این زمانه پرآشوب است. او در جریان مقابله مظفریان با عهدشکنی‌های مکرر ابواسحاق اینجو با آوردن شعری عربی، اندیشه خردگرای خویش را به‌نمایش می‌گذارد. یزدی معتقد است هیچ حادثه ناگواری بر فرد دوراندیش، فرود نمی‌آید؛ چرا که او نسبت به‌هدف و مقصود خویش به‌صورت کامل بصیرت دارد (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۲۱۷). یزدی در مورد شمس‌الدین صائن قاضی و نیرنگ او علیه آل مظفر نیز بیان می‌کند که: «سریر سودای از کله بی‌مغز او، که هوش تاجداری داشت، تاج دار ساخت» (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۶۵). یزدی یکی از بهترین نصایح خویش را در دوری گزیدن آل مظفر از رقبایشان مطرح می‌کند و امیرپیرحسین چوپانی را به عنوان فردی متهتک (بی‌پروایی که از رسوایی باک ندارد) و خونریز معرفی نموده که بایستی از او اجتناب کرده چون که هیچ خان‌های در همسایگی او پایدار نمی‌ماند. همچنین در جای دیگر تذکر می‌دهد از دشمن اگر که آرامش او به طول بینجامد، در امان مباش که باطن افراد بر محور نهانی‌ها

می‌چرخد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۴۵-۱۴۴). دیگر آن که آنگاه که امیرمبارزالدین در سال ۷۵۲ق برای دومین بار توبه می‌کند، یزدی با اظهار خرسندی فراوان می‌نویسد: «اصلاح یک انسان، اصلاح تمام مردم است» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۰۹). از سوی دیگر، وعظ‌هایی مطابق شرع مقدس و با آوردن آیات قرآن و احادیث ارائه می‌دهد. همچنان که پس از شکست امیرمبارزالدین از قبایل اوغان و جرما، یزدی با اشاره به آیه ۱۵۳ سوره آل عمران، اندرز می‌دهد که شکست در جنگ و ناملایمات نباید موجب اندوهگین شدن فرد گردد؛ چرا که روزگار به یک حال نمی‌ماند و روزی علیه ما و روزی به نفع ماست (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۸۰). همچنین آن زمان که سید عضدالدین یزدی برای عرض شکایت از امیرمبارزالدین به دربار ایلخانان رفت اما اعتراض او مورد توجه قرار نگرفت، یزدی ضمن اشاره به آیه ۲ سوره فاطر بیان می‌کند: «دری که خداوند از زحمت بر مردم بگشاید، هیچ کس نتوانست بست» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۵۳).

### ۳-۱-۲. انسان؛ اندیشمند مختار

نوع نگرش معین‌الدین یزدی در تحلیل وقایع، بدین‌گونه است که وی پس از نسبت دادن تمام پیروزی‌ها و البته شکست‌ها به منبع الهی به‌سراغ انسان نیز می‌رود. یزدی گهگاه در اثر خویش به اختیار و تلاش انسان در بروز وقایع البته پس از تقدیر الهی اشاره دارد. یزدی معتقد است: «ولاغرو فان الیوم بقدر الهمم»، روزگار به اندازه همت و تلاش‌های آدمیان رقم می‌خورد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۷۹). چنانچه در آستانه فتح شیراز توسط آل مظفر در سال ۷۵۴ق، اشاره می‌کند: «چون بی‌رنج گنج میسر نشود... جمال کعبه مراد کسی را تجلی کند که رنج بادیه تعب را متحمل گردد... و برحسب اجتهاد به پایه جاه منبع توان رسید» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۳۶). در مرتبه دیگر یزدی آشکارا اشاره می‌کند که هر کسی چیزی را بخواهد و در رسیدن بدان جدیت و پشتکار به خرج دهد، آن‌را خواهد یافت و روزگار به اندازه همت و تلاش‌های آدمیان رقم می‌خورد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۳۱، ۱۷۹). معین‌الدین یزدی، اینچنین انسان را صاحب اختیاری می‌داند که با تلاش می‌تواند پیروز گردد و بیان می‌نماید که اقبال و شانس عهده‌دار تهیه چیزی است که تو خواستار آن هستی (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۳). به نظر می‌رسد در اندیشه یزدی، اراده خداوند مطلق است و افعال انسان از اراده الهی سرچشمه می‌گیرند. اما چنین مسئله‌ای، به معنای عدم اختیار انسان نیست. زیرا که این دو اراده، در طول یکدیگرند نه در عرض هم، که یکی مانع وجود دیگری گردد.

انسان مورد توجه معین‌الدین یزدی، افزون بر داشتن اختیار جهت ساختن سرنوشت خویش، باید صاحب خرد نیز باشد. با واگذاری حکومت کرمان به شاه‌شجاع، صاحب مواهب الهی خطاب به او اشاره می‌کند که حکومت فرصتی است برای تو تا عقل خویش را جلوه کنی وگرنه سلطنت برای تو چه ارزشی دارد؟ (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۶۲). همچنین در جای دیگر از آن‌جا که صاحب مواهب الهی، حاکم شیراز ابواسحاق اینجو را فردی بی‌خرد می‌داند، بارها وی را بابت به کار نگرفتن قوه تعقل خویش سرزنش نموده است (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۶۷-۱۶۹). سپس توصیه می‌کند که خردمند صاحب تدبیر به واسطه به کار بردن حزم و دوراندیشی ادراک کرده و بر مصداق آیه ۹۰ سوره انعام از افراد هدایت شده از سوی خدا پیروی می‌نماید: «آن‌ها کسانی بودند که خدا خود آن‌ها را هدایت نمود، تو نیز از راه آن‌ها پیروی نما...» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۹)، و در ادامه معتقد است انسان خردمند کسی است که از مشاهده وقایع پند گیرد و از خوشی‌های پیاپی شادمان نشود و از اندوه نیز کاملاً ناراحت و مأیوس نگردد. سپس اشاره‌ای به شعر سعدی بزرگ دارد:

«به نیک و بد سر آید جهان همان بهتر / که زندگانی بالطبع شادمانه کند»

## ۳-۲. اعتقادی

از منظر اعتقادی به سبب آن که اعتقادات مورخ برگرفته از باورهای فکری جامعه است و این مورد بر تاریخ‌نگاری وی نیز اثرگذار است و همه این عوامل در تاریخ‌نگاری منعکس می‌شوند، بررسی این مسائل اهمیت به‌سزایی دارند. اعتقادات دینی و مذهبی مورخ، بر گزینش وقایع تاریخی و چگونگی تحلیل حوادث گوناگون مؤثر است. افزون بر این، نگرش مورخ در مورد مشی و اراده الهی، نگرش دینی و یا تعصب مذهبی و تأثیر این عوامل بر تاریخ‌نگاری، شاخص‌ترین موضوعاتی هستند که می‌توان در این رویکرد بررسی نمود.

## ۳-۲-۱. مشیت‌گرایی

باور مشیت‌گرا، مسئولیت قطعی وقایع و تسلیم در برابر آن‌هاست که مسئولیت را از دوش انسان برداشته و روحیه انفعالی را به‌فرد تحمیل می‌کند. طبق این اندیشه تمام رویدادهای مهم تاریخی به‌معلول‌های یک علت واحد- اراده الهی- تبدیل می‌شوند که به وسیله ایمان ادراک می‌شود نه به وسیله عقل (چابلد، ۱۳۳۵: ۶۷-۶۸). تقدیرگرایی ریشه در فرهنگ و تاریخ باستانی ایران دارد. شرایط اقلیمی، جنگ‌ها، بحران‌ها، حکومت‌ها و نگرش‌های مذهبی از بسترهای رشد و بروز این اندیشه بوده‌است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۸) و از منظر مورخان مسلمان نیز، تاریخ تجلی‌گاه اراده خداوند است. اراده الهی و قضا و قدر به عنوان مهم‌ترین کلیدواژه‌های به کار رفته در *مواهب‌اللهی*، بیانگر اندیشه مؤلف پیرامون هستی، انسان و روند تاریخ است. معین‌الدین یزدی به عنوان اندیشمند برجسته دینی میراث‌دار تفکر قرون پیشین درباره مشیت‌گرایی است. او در یک حکومت دین‌مدار در عصر فترت و با توجه به شرایط سیاسی- اجتماعی خاص بعد از حمله مغول، گذشته از اعتقاد شخصی به قضا و قدر الهی، به‌منظور مشروعیت‌بخشی به امیران آل مظفر به تقدیر الهی متوسل شده و علی‌رغم ذکر دلیل در ایجاد برخی رویدادها، این‌گونه نشان می‌دهد که عاملی ماورائی در بروز هر حادثه‌ای دخالت دارد. در نگاه هستی‌شناسانه یزدی، قدرت مطلق از آن خدا و دلیل هر امر و حادثه‌ای، خواست خداوند است.

معین‌الدین یزدی تمام آنچه در این عالم جریان دارد را از آن خدا می‌داند. چنانچه اشاره می‌کند حتی انگیزه زیاده خواستن نعمت را خداوند در ذات انسان‌ها قرار داده‌است (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۳). یزدی در *مواهب‌اللهی*، بارها با اشاره به داستان‌های قرآنی از سرنوشت انسان‌هایی می‌گوید که برخلاف رأی و اراده الهی گام برداشتند و هلاک شدند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۳-۴). افزون بر این، یزدی علت اصلی روی کار آمدن، پیروزی‌ها و حتی شکست‌های آل مظفر را ناشی از اراده الهی می‌داند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۹۶، ۱۴۶، ۱۸۸). چنانچه در سال ۷۱۳ق- آغاز قدرت‌گیری امیرمبارزالدین محمد- اشاره می‌کند اراده الهی و حکم خداست که یکی را بر جای دیگری می‌نشاند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۴۳-۴۴). همچنین او در جریان یکی از حملات ابواسحاق اینجو به کرمان و صف‌آرایی مظفریان، آشکارا بیان می‌کند که سپاه آل مظفر مورد تأیید کردگار است؛ به این دلیل که از این جانب، صدای نماز و اوراد و تلاوت قرآن به آسمان می‌رسید و از سمت سپاه اینجو، صدای موسیقی دوتار شب را به‌صیح پیوند می‌داد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۲۹). این در حالی است که زمانی که امیرمبارزالدین محمد از قبایل اوغان و جرماً شکست خورد و اسیر گشت، یزدی اشاره نمود که «شیری که اسیر شود هم ز قضاست» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۸۸).

نکته با اهمیت در این نوع بینش یزدی به مسائل زمانه خویش، آن‌که وی با استفاده از مفاهیمی چون اراده الهی، تقدیر و جبر، درصدد چشم‌پوشی از خطای مظفریان یا پنهان نمودن دلیل حقیقی حوادث برمی‌آمد. آنگاه که امیرمبارزالدین محمد با وجود توبه معروف‌اش همراه امیرپیرحسین چوپانی اقدام به شرب‌خمر نمود، یزدی جبر را علت این عمل ذکر

می‌کند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۰۹). معین‌الدین یزدی حتی ازدواج امیرمبارزالدین محمد با قتلغ ترکان قراختایی (نوه امیرسیورغتمش)، را به سبب تدبیر موافق و مطابق قضای الهی می‌داند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۹۸). در حالی که دلیل واقعی این ازدواج که همانا کسب قدرت و تصرف کرمان و البته کسب مشروعیت خاندانی برای فرزندان امیرمبارزالدین بود را شرح نمی‌دهد. بعد از این ازدواج بود که به‌نوشته حافظ ابرو فرزندان مشترک قتلغ ترکان و امیرمبارزالدین محمد، عنوان سلطان و شاه را به‌دست آوردند (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۷۵/۳). در نهایت باید در نظر داشت که از منظر یزدی اراده الهی به میزان زیادی موجب حرکت و تحول در تاریخ به‌شمار آمده و مبنای همه حوادث و دگرگونی‌های تاریخ است. با این وجود، تقدیرگرایی یزدی متکی بر بینش دینی وی، سبب یک نوع نگاه مشییتی مطلق، از سوی او به تاریخ نشده‌است. یزدی برای انسان، مسئولیت و البته خرد اش نیز سهمی قائل است که گهگاه در مواهب الهی متذکر شده‌است.

### ۲-۲-۳. شریعت‌مداری

در بینش شریعت‌مداران، تعلقات و تمایلات دینی و مذهبی مورخ و تأثیر آن بر نوع تحلیل، تعلیل و سرانجام قضاوت‌های وی در تاریخ‌نگاری، تجلی یافته است. در این نوع نگاه، مورخ با نگاهی دینی و مذهبی به‌مسائل گوناگون زمانه خویش نگرینسته و اعمال و رفتار حکومت مورد نظر را از این منظر مورد ارزیابی قرار داده‌است. معین‌الدین یزدی، محدث و مدرس برجسته دینی عصر فترت، حکومت آل مظفر را همواره از زاویه عمل به شریعت اسلام مورد واکاوی قرار داده‌است. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل گرایش یزدی به‌عنوان فقیه شافعی مذهب به این نوع بینش، جدای از تعلق خاطر، تربیت خانوادگی و شغل دینی‌اش، از یکسو آن بود که وی در دیوان حکومتی مشغول به‌کار بود که در میان تمامی حکومت‌های عصر فترت بیش از همه بر مفاهیم دینی تأکید داشت و از سوی دیگر، جهان‌بینی مردمان روزگارش به‌شریعت گره خورده بود. یزدی از چنین بینشی، به دنبال رسیدن به دو هدف است: نخست آن که او به عنوان شخصیتی دینی، غایت تاریخ را عبودیت و بندگی حضرت حق می‌داند و آن‌را مبنای کار خویش قرار داد؛ و دوم آن که وی قصد داشت تا با تأکید بر دین و اجرای شریعت و مهم‌تر تشریح رفتارهای دین‌مآبانه حاکمان مظفری جهت حفظ، تداوم و مشروع جلوه دادن قدرت آنان به عنوان حاکمان دین‌مدار، قدم بردارد.

معین‌الدین یزدی با به‌کار بردن عباراتی چون «دین و مُلک» و «دین و پادشاهی» تأکید خود را نسبت به‌توأمان بودن این دو اصل مهم که از سنت‌های تاریخ‌نگاری اسلامی و ایرانی است، نشان می‌دهد. او این توأمانی را بارها در مواهب الهی متذکر شده‌است. چنانچه امیرمبارزالدین محمد را «صاحب قران الملک و الدین» لقب داده بود (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱). یزدی، پادشاهی مظفریان را ادامه راه پیامبران دانسته و امیرمبارزالدین محمد را موعود قرن هشتم هجری جهت احیای دین معرفی نموده و لقب «مجدد مراسم الشریعه الغراء» را برای مؤسس سلسله آل مظفر به کار می‌برد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱). معین‌الدین یزدی، علل حوادث را در درجه اول به‌تأثیر خداوند نسبت می‌دهد؛ چنانچه در بحث پذیرش امان ملک‌داوود غوری توسط امیرمبارزالدین محمد که قطعاً به‌نفع او بود و محاصره کرمان را خاتمه می‌داد و شهر را تسلیم آل مظفر می‌نمود، می‌نویسد که امیرمبارزالدین سخن خدا را شنید و سپس به‌او پناه داد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۲۲). بینش دینی یزدی تا جایی پیش می‌رود که وی در برخی موارد، جنگ‌های امیرمبارزالدین محمد را با جنگ‌های رسول... مقایسه نموده‌است. در جنگ آل مظفر با قبایل مغول نکودری، یزدی با ذکر آیه ۴۵ سوره قمر می‌نویسد: «به‌زودی آن جماعت شکست خورده (در جنگ بدر) به جنگ پشت می‌کنند» و در ادامه با آوردن آیه ۱۱ سوره صاد اشاره می‌کند: «این نالایق سپاه کفر از احزاب مغلوب و نابودشدنی در آنجاست (یعنی در بدر) و این از اخبار غیبی قرآن کریم است» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۶۵). یزدی در مواردی پا را

فراتر نهاده امرای مظفری را به اولیاءالله تشبیه نموده‌است. همان‌گونه‌که در تولد شاه‌شجاع در سال ۷۳۳ق، وی به آیه ۱۲ سوره مریم رجوع نموده‌است: «به او (حضرت عیسی)، در همان سنین کودکی، مقام نبوت بخشیدیم» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۸۴). سپس همین شاه‌شجاع را «جلال‌الحق و الدین»، «اعتضاد شرع سیدالمرسلین» لقب می‌دهد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱-۱۲). معین‌الدین یزدی همچون برخی دیگر از علمای یزد و کرمان، چنانچه در تاریخ آل مظفر آمده از بیعت حاکمان مظفری با خلفای عباسی مصر استقبال نموده‌است (کتبی، ۱۳۶۴: ۶۷). به‌واقع در جامعه‌ای که اکثریت آن را سنی مذهب تشکیل می‌دادند، استقبال از این عمل طبیعی به‌نظر می‌رسید. هر چند اهمیت خلافت عباسی بعد از حمله مغول کاسته شده بود و نفوذ واقعی نداشت اما یزدی با آگاهی از تأثیر همین بیعت ظاهری، سعی در کسب مشروعیت دینی برای حکومت آل مظفر در قرن هشتم هجری داشت و پس از این ماجرا القابی همچون «ناصرامیرالمؤمنین»، «عضدالامیرالمؤمنین»، «محبی-الدوله‌العباسیه»، «موطدالخلافة»، به امیرمبارزالدین و شاه‌شجاع نسبت می‌دهد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱). نکته جالب آن‌که یزدی برای کم‌رنگ جلوه دادن مشارکت ابوبکر حاجی بن غیاث‌الدین از آل مظفر در همراهی هلاکوخان مغول در حمله به بغداد و انقراض خلافت عباسی، با زیرکی آن را نه از مقوله اخلاق این خاندان پرهیزگار بلکه به حکم «المأمورالمعذور» نشان داده و می‌نویسد وی به اجبار رهسپار این سفر ناخوشایند گردید و امید است موجب عفو الهی قرار گیرد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۹-۳۰).

اشتیاق فراوان یزدی به قصص قرآنی همچون ماجرای شق‌القمر، تولد عیسی(ع)، کودکی پیامبر(ص)، داستان آسیه، داستان حضرت یونس در شکم ماهی، داستان حضرت زکریا در تنه درخت و احادیث نبوی و تسلط او بر قرآن و محتوای آن با مطالعه مواهب/لهی، مشهود است. اشارات یزدی به قرآن و احادیث در نقل وقایع، فراوان است. از جمله این موارد می‌توان به رویارویی سپاهیان امیر بیک‌چکاز از سوی آل اینجو با مظفریان اشاره نمود که یزدی با اشاره به آیه ۲۴۹ سوره بقره چنین می‌آورد: «چه‌بسا که به‌یاری خدا گروهی اندک بر سپاهی که بسیار است، غالب آمده‌اند» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۳۱). در نهایت، یزدی معتقد است این فتح مظفریان از خزانه مواهب آفریدگار میسر شد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۳۵). همچنین در بحث از توبه دوم امیرمبارزالدین محمد در سال ۷۵۲ق، یزدی به آیاتی از قرآن همچون آیات ۱۷ سوره نساء و ۵۴ سوره زمر و حدیثی از رسول اکرم با این مضمون اشاره می‌کند که می‌فرماید: «توبه‌کنندگان از گناهان مانند کسی است که گناه ندارد» تا بتواند این توبه‌های دوگانه مخدوم خویش را توجیه و در نهایت آن را نشانی از بلوغ حقیقی وی معرفی نماید (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۰۴ و ۲۰۹). البته یزدی از علت واقعی توبه کردن امیرمبارزالدین محمد در همین سال ۷۵۲ق و اینکه دقیقاً چرا آنگاه که در مسیر پیروزی و نزدیک شدن به هدفش که همانا فتح شیراز و شکست بزرگ‌ترین رقیبش ابواسحاق اینجو بود، اقدام به توبه مکرر نموده‌است، سخنی به میان نمی‌آورد.

در حال اصول دین اسلام و وجوب معرفت بر این اصول، به‌حدی بر تفکرات معین‌الدین یزدی سایه افکنده که در کتاب تاریخی‌اش، مسلمانان را به سوی این معارف رهنمون می‌سازد. آن شکل از معرفت‌شناسی که مدنظر یزدی است، با دین و آموزه‌های دینی ارتباط مستقیم دارد. بدین ترتیب یزدی چهره‌ای شریعت‌مدار و پایبند به اصول دین از خود و حاکمان محبوبش به نمایش می‌گذارد. پایبندی و اعتقاد یزدی به دین اسلام چنان است که بر طبق نگرش مذهبی وی، افرادی که خداوند را پاک و منزّه و مقدس می‌دانند، به سه‌گانه‌پرستی (أب، ابن و روح‌القدس) و شش‌گانه‌پرستی (شش ضلعی نماد مقدس در متون یهودی، ستاره شش پر داوود که برخی آن را سپهر حضرت داوود می‌دانند)، ایمان نمی‌آوردند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۸۳).

### ۳-۳. سیاسی

مورخان سنتی، غالباً اندیشه سیاسی خویش را در قالب مبانی نظری مطرح نمی‌کردند. با این وجود می‌توان مهم‌ترین اندیشه‌های سیاسی هر مورخی از جمله معین‌الدین یزدی همچون توجه عمیق به حق الهی سلطنت، عدالت، شجاعت، توأمانی دین و دولت و ویژگی‌های حکومت مطلوب و... را در لابه‌لای شرح جنگ‌ها و فتوحات و ذکر اقدامات نخبگان عصر استنباط نمود. به‌واقع این مبانی نظری که در کنه وقایع تاریخی نهفته است، نمایان‌گر تفکرات مورخ در حوزه‌های گوناگون معرفتی است که شناخت هر یک از آنان می‌تواند ما را به شناخت بینش سیاسی یا تاریخی مورخ رهنمون سازد.

#### ۳-۳-۱. فرمانروای الهی (فرّه ایزدی)

نظریه حق الهی فرمانروایان، از پایدارترین نظریه‌ها در تداوم حیات بشری است. رایج‌ترین راهی که حاکمان توسط آن برای فرمانروایی خود متوسل به خدا می‌شدند، این بود که اذعان کنند آن‌ها هم بشر هستند، اما در عین حال بگویند خدا فرمانروایی را به آن‌ها اعطا کرده است. این دیدگاه به «حق الهی» فرمانروای سیاسی مشهور است. طبق این نظر رعایا حق شوریدن بر پادشاه منصوب خداوند و جایگزین کردن او با کسی دیگر را ندارند و فقط خداوند حق بازنگری و بازپس گرفتن فرمانروایی را از حاکمان دارد (همپتن، ۱۳۸۵: ۳ و ۳۰). این اندیشه فرمانروایی الهی همان فرّه ایزدی است که از مؤلفه‌های شاخص اندیشه سیاسی ایران باستان بوده که به پادشاه مشروعیت بخشیده و او را به شاه آرمانی تبدیل می‌کند. در یشت‌ها نیز فرّه، فروغ یا شکوه، بزرگی و اقتدار مخصوصی معنا شده که از سوی اهورا به پادشاهی بخشیده می‌شود. با این فروغ، پادشاه برازنده تاج و تخت می‌گردد و آسایش گستر و دادگر می‌شود و همواره کامیاب و پیروزمند است و از سوی خداوند، برای راهنمایی مردمان برانگیخته می‌گردد و شایسته الهام ایزدی است؛ حال چون فرّه، پرتو خدایی است ناگزیر باید آن را فقط متعلق به شهریاری شمرد که یزدان‌پرست، پرهیزگار، دادگر و مهربان باشد (پورداود، ۱/۱۳۷۷ و ۲: ۳۱۴-۳۱۵ و ۵۱۲). معین‌الدین یزدی، مظفریان را صاحب فرّه ایزدی می‌داند و بارها در مواهب الهی، برحق الهی سلطنت آل مظفر تأیید می‌کند. از جمله در موردی معتقد است که خداوند شاه‌شجاع را برای شما برگزیده و دانش و توانی بدنی او را فزونی بخشیده است و انوار فضل ایزدی از جبین او قابل رؤیت است. افزون بر این در مورد پدرش نیز اشاره می‌کند که در یورت خانقین، سلطان اولجایتو نور خسروی را از پیشانی امیرمبارزالدین محمد مشاهده نمود (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۴۰). همچنین در مورد تولد و حکومت امیرمبارزالدین محمد نیز بر این باور است هم‌چنان که دولت چون آفتاب از پیشانی مبارک‌اش شارق گشت و با تولد او امری آسمانی به وقوع پیوست، دست قدرت شیاطین از تعرض و تجاوز به حریم گروه ملائک قدسی کوتاه است و افراد فرومایه توانایی آسیب زدن به جایگاه وی ندارند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۳۷، ۱۸۴). یزدی حتی توبه‌های امیرمبارزالدین محمد را ناشی از الهام خداوندی به او می‌داند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۰۵) و داشتن فرّه ایزدی در مورد شاه‌شجاع را نیز مطرح می‌کند: «آنگاه که حضرت سلطنت پناه (شاه‌شجاع) در ۷۳۳ق، متولد شد، شعاع فرّه ایزدی که از جبین مبارک‌اش ظلمات عالم را روشن گردانید» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۸۱). در ادامه یزدی ضمن صحبت از نور خسروی و خسرو گردون شکوه یعنی شاه‌شجاع، شعری از شرف‌نامه نظامی می‌آورد:

چگوم زهی چشم بد دور ازو

«چنین طالعی کآمد نور ازو»

افزون بر این معین‌الدین یزدی بارها در *مواهب‌الاهی شاهان آل مظفر* را با شهریاران ایران باستان مقایسه نموده که نشان از بینش وی دارد. چنانچه او صفات شاه‌شجاع را با خشم اسکندر، مهر جمشید، تدبیر و دوراندیشی فریدون و صاحب خدم و حشم چون یوسف و پرچم او را همانند سلیمان، ماه دانسته و حتی اسب امیرمبارزالدین محمد را با شب‌دیز، اسب خسرو پرویز، قیاس نموده است (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۰ و ۱۸۵). با این اوصاف شاهد استمرار تاریخی این اندیشه از دوران باستان تا زمانه مورخ مذکور هستیم که بدون تردید سنت دیوانی و اندیشه و عمل دیوان‌سالاران در این تداوم، نقش اصلی را داشت.

### ۳-۲-۳. حق‌الاهی سلطنت (اندیشه ظل‌الاهی)

باور به اندیشه فره‌ایزدی در دوره اسلامی با نقل‌قول از پیشینیان و اظهارنظرهای خود مورخان، تبیین گردید؛ اندیشه تعلق فره‌ایزدی به پادشاهان در دیدگاه اندیشمندان دوره اسلامی اعم از فیلسوفان و مورخان، تداوم داشت (ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۵: ۳۲۱). در دوره اسلامی فره‌ایزدی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی اندیشه سیاسی ایران باستان به‌عنوان حق‌الاهی سلطنت و با تعبیر «السلطان ظل‌الله» باز تولید شده است (نجوانی، ۱۹۶۴: ۱۲۵/۱) و در آثار و منابع اندیشه سیاسی به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم مبنای مشروعیت سیاسی گردیده است یا به‌تعبیر دیگر، دانشی گردیده تا آنچه را در صحنه سیاسی رخ داده است، مشروعیت بخشد (زمانی و طاووسی، ۱۳۸۳: ۶۱). به‌واقع اندیشه سیاسی ایران‌شهری، همچون رشته ناپیدایی است که دو دوره بزرگ تاریخ قدیم ایران زمین را از دوره باستان تا فراهم آمدن مقدمات جنبش مشروطه‌خواهی به یکدیگر پیوند می‌زند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷۱). تئوری فره‌ایزدی در بحران حمله مسلمانان فراموش نشد؛ بلکه در قالبی نوین، شمایل گذشته را احیا نمود. برخی مؤلفه‌های ایران‌شهری نظیر شاهی آرمانی، فره‌ایزدی، توأمان بودن دین و ملک، عدالت، راستی، دانایی و... به کالبد جهان اسلام اضافه گردید. انتقال فره‌ایزدی از ایران باستان به ایران اسلامی با وجود آن‌که بسیاری از کارویژه‌های سیاسی-اجتماعی‌اش را از دست داد، به معیاری برای سنجش حقانیت فرازمینی سلاطین در میان عامه مردم تبدیل گردید و کماکان در اصل فکری و دینی این اندیشه، خدش‌های وارد نشد. هر چند رفته رفته رو به سوی تغییرات نسبی قدم برداشت (محمدی و بی‌طرفان، ۱۳۹۱: ۳). برخورداری از چنین ویژگی‌هایی از منظر سیاسی بیانگر مشروعیت سیاسی شاه و حاکمیت وقت است و چنین پادشاهی، دین و حکومت را توأمان در دست داشته و نگهبانی کرده است؛ شهریاری و دین هم‌زاد یکدیگرند، آن‌طور که شاهان، پیروزی‌ها و کامیابی‌های خود را در گرو دین‌ورزی خود داشته‌اند. چنانچه در اندیشه یزدی نیز شاهد پیوستگی دین و دولت در آل مظفر هستیم؛ به‌نحوی که دین اصل مهم و از همراهان ناگسستنی پادشاهی و عامل دیگری است که به حکومت قوام می‌بخشد: «المُلک و الدین توأمان عمارت ساخت دین را... پیشنهاده ضمیر ساخت و آبادانی بنای مسلمانی را... مقصد خاطر گردانیده» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۰۹). باید توجه داشت که این پیوند مُلک و دین، اندیشه‌ای مشترک بین ایرانیان باستان و شریعت اسلام است؛ دین، بنیان حکومت است و حکومت پاسدار دین (عنایت، ۱۳۷۷: ۵۷). به‌واقع همه اندیشمندان ایران اعم از مورخان چه در دوره پیش از اسلام و چه در دوره اسلامی، بر اساس همین تفکر، وجود شاه را به منزله برگزیده خدا یا سایه و خلیفه او بر زمین، پذیرفته‌اند (ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۵: ۳۳۰). معین‌الدین یزدی به وضوح شاهان آل مظفر، از جمله امیرمبارزالدین و شاه‌شجاع را «ظل‌الله فی الارضین» معرفی می‌کند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱). و این‌گونه این مورخ دربار آل مظفر از اندیشه ایرانی-اسلامی سلطنت (فره‌ایزدی-ظل‌الاهی) و پیوند میان حاکمان آل مظفر با شاه آرمانی در جهت مشروعیت‌بخشی به آنان، بهره برده است. با مطالعه دقیق بینش سیاسی حاکم بر *مواهب‌الاهی*، می‌توان به تداوم اندیشه ایران‌شهری و اندیشه ظل‌الاهی جهت ایجاد مشروعیت الهی برای حاکمان آل مظفر، توسط معین‌الدین یزدی، دست یافت.

### ۳-۳-۳. اعتقاد به مجدد دینی

امید به بازگشت یک منجی که به اصلاح امور بپردازد و مردم از ظهور وی امید نیمه‌جانی بیابند و به احیا کارها دل ببندند، و امید به اینکه دستی غیبی ناگاه از ناکجاآبادی به درآید و مردم ظلم‌دیده را با تمام توان یاری کند و بساط ظلم و جور و ستم را برچیند، جای خاصی در اندیشه و زندگی مردم در دوران پس از حملات ویران‌گر مغولان داشت. از مصادیق این اعتقاد در زمانه مورد بحث، امید به بازگشت خلافت و احیای مجدد عظمت و مجد خلفا بود. این اعتقاد که در میان اهل سنت ظهور ویژه‌ای داشت، بر این اصل بنیاد شده بود که زمین هیچ‌گاه از خلیفه رسول خدا(ص) خالی نخواهد شد؛ بنابراین، تلاش می‌شد تا حد امکان این دیدگاه عینیت یابد (فیاض و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۱). همپای تلاشی که در دوره آل مظفر از سوی حاکمان نخستین این سلسله دیده می‌شد، معین‌الدین یزدی نیز به عنوان فقیه برجسته دینی، آشکارا اعتقاد به مجدد دینی را در *مواهب الهی* می‌نمایاند. چنانچه وی پس از بیعت امیرمبارزالدین محمد با خلیفه عباسی مصر، عنوان «مجدد مراسم الشریعه الغراء» را برای این امیر آل مظفر به کار می‌برد (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱). یزدی با اشاره به حدیث مشهور: «ان الله یبعث لهداه الامه علی رأس کل مائه من تجدد لها دینها» می‌نویسد که خداوند هر صد سال یکبار کسی را برای این ملت برمی‌گزیند، تا دین را برایشان تجدید و احیا کند (علم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۰). یزدی با ذکر این حدیث، عقیده‌اش را نشان می‌دهد که هرگاه خدش‌های به دین وارد می‌شود (در این‌جا منظور یزدی سقوط خلافت عباسی است)، صاحب دولتی به پیروزی می‌رسد و آفتاب طلوع می‌کند که تاریکی‌ها را برکنده و روشنایی برقرار می‌شود و به‌این ترتیب، همبستگی دین و دولت مستحکم می‌گردد (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۲۱). طبق ادعای معین‌الدین یزدی، امیرمبارزالدین محمد به عنوان نایب خلیفه و شهریاری مطلوب و سایه خدا بر زمین، عدالت و دادگری و زدودن ظلم را وظیفه خود می‌داند و به پاس داشت آیین محمدی(ص) قیام نموده و قلمرو تحت حاکمیت خود را از آسیب حفظ می‌نماید (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۲۳). باید توجه داشت که بحث ضرورت اجرای عدالت، موضوعی مشترک میان متون عهدنامه‌ای پیش از اسلام و سیرالملوک‌های دوره اسلامی است. عدل سلطان، در رأس خصایلی است که در همه سیرالملوک‌ها برای سلطان برشمرده‌اند (ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۵: ۴۲۹). در اغلب متون تاریخی، افزون بر عدل، سیاست پادشاهان که از آن تعابیر قدرت، هیبت و شجاعت پادشاهان در برقراری امنیت نسبی بیرون آورده شده، نیز ضروری تلقی گردیده است. از سوی دیگر از آن‌جا که وظیفه خلیفه، پاسداری از حدود و ثغور اسلام و تأمین عدالت و امنیت رعایا است (قادری، ۱۳۸۳: ۷۳، ۷۵)، اینجا امیر مبارزالدین محمد و سپس شاه‌شجاع به عنوان نایبان خلیفه و احیاکنندگان دین از یکسو و به عنوان سلاطین صاحب فره ایزدی و ظل‌الله فی الارضین از سوی دیگر، تلقی شده و چنین تکالیفی را بر عهده دارند. معین‌الدین یزدی، حکام آل مظفر را با صفاتی چون «مظهر آیات‌العداله» و «ناصیه‌الرایات النصفه بعد اندرسها» معرفی می‌نماید (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱). یزدی، اشارات فراوان به گستردن عدل توسط حاکمان آل مظفر در این دوران دارد (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۵۸ و ۸۸ و ۱۰۹ و ۱۱۶ و ۱۲۳ و ۲۵۹). از جمله در جریان فتح بم، امیرمبارزالدین محمد را، فرشته‌نهادی لقب می‌دهد که خانه ظلم را ویران و عدالت را برپا نمود (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۳۱). یزدی، کامروایی پادشاه را به دلیل برقراری عدالت و زدودن ظلم معرفی و می‌گوید بدون تردید کسی که این مهم را به انجام می‌رساند، مظفریان هستند (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۲۳). سپس با آوردن ابیاتی، مهر تأیید بر عدالت امیرمبارزالدین محمد زده‌است:

«لطفت به کرم چاره بیچاره کند  
 عدلت ستم از زمانه آواره کند

در موسم عدل تو صبا را نبود  
 آن یاره که پیراهن گل پاره کند»

(معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۳).

جدای از عدل و داد، معین‌الدین یزدی تأکید می‌کند که پادشاه کاردان دارای سلطنت الهی، صفاتی دیگری نیز دارد. همچنین نگاه یزدی به شاهزادگان مظفری، سراسر لیاقت و شجاعت و کفایت آنان به‌ویژه جهت تأمین امنیت است (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۶ و ۳۱-۳۴ و ۱۱۰ و ۱۲۶). یزدی به ماهیت اساسی حکومت آل مظفر که استقرار نظم و امنیت در حد فاصل یزد، فارس و کرمان بود حتی در شرایط جنگ‌های پیاپی، بارها اشاره می‌کند (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۳۴ و ۵۸ و ۱۳۲). آن‌گونه که در مورد خطه یزد بیان می‌کند که در ظل حمایت خلافت‌پناه، رعایا در سایه معدلت آرام گرفته و امنیت شایع شد و رفاه عمومیت یافت (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۵۸).

### ۳-۳-۴. حکومت مطلوب

طبق نگرش معین‌الدین یزدی در *مواهب‌الاهی*، حکومت‌های موفق چندین ویژگی دارند؛ یکی آن است که دولتی که به مرور زمان به مقام والا دست یابد، دوام خواهد یافت. هر گاه فرد یا حکومتی ناگهانی به اوج برسد، از کمال لازم برخوردار نخواهد شد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۴). همچنین از منظر یزدی در برخی از شرایط، حکومت موفق آن است که به لبه‌های شمشیر تیز وابسته باشد و گاهی اوقات، با تدبیر و قلم و کاغذ و قرارداد نمی‌توان کاری از پیش برد و با گرز گران باید دندان‌های فرد نافرمان را شکست. بلندمرتبه‌ترین حکومت‌ها از منظر یزدی، آن است که بر نوک شمشیر بنا گردد و ضربه نیزه نزد دوستداران آن‌ها همچون بوسه‌هاست (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۲۲). چنانچه در جریان هرج و مرج پس از فوت ابوسعید ایلخان، عملکرد خواجه غیاث‌الدین محمد وزیر ابوسعید در استفاده از شمشیر و روی کار آوردن ارپاخان را می‌ستاید (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۹۱). ویژگی دیگر بقای هر خاندان و حکومتی از نگاه یزدی، رسیدن به اخلاق است که با آن می‌توان اراده‌های نافرمان را تسلیم نمود و با بزرگداشت و محبت به مردم، دل‌های آنان را تسخیر کرد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۲۵). افزون بر این، یزدی ناامید نشدن حاکم به هنگام سختی را عامل موفقیت می‌داند و اشاره می‌کند: «باران از ابر سیاه می‌بارد و این تلخی‌ها و سختی‌ها، سودمند است» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۴۶). در نهایت طبق بینش یزدی، حکومت عقیم و بی‌بار و بر است و نیاز به هوشیاری دارد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۰۷). چنانچه معتقد است که اتابکان یزد به عنوان خاندانی که از دیرباز بر سریر پادشاهی تکیه زده بود بر سر یک بی‌خردی کوچک، نابود شد (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۵۸). او با شرح ماجرای امیرشرف‌الدین مظفر و تصمیم‌اش برای رها کردن اتابک یزد و فرار به کرمان، از واژه عقل استفاده نموده و می‌نویسد: «مشام عقل از آن بوی خون می‌شنید» (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۳۴). شرف‌الدین با این تصمیم عاقلانه از شر اقدامات خصمانه ایلخانان علیه اتابکان یزد، خویش را نجات داد.

### ۴. نتیجه

*مواهب‌الاهی* برای بررسی وضعیت حاکم بر قرن هشتم هجری و به‌ویژه شناخت حکومت آل مظفر، اثری ارزشمند و منبعی دست اول است. از مهم‌ترین دلایل اهمیت *مواهب‌الاهی*، آن است که نگارش این تاریخ در بطن حوادث و در لحظه صورت پذیرفته است. معین‌الدین یزدی خود یکی از ناظران وقایع عصر فترت و جزئی از ساختار دیوانی آل مظفر است که حتی زمانی واسطه صلح میان حاکمان مظفری بود؛ همین عامل، بر ارزش کتاب می‌افزاید که یزدی در نزدیک‌ترین زمان و مکان ممکن به آل مظفر، به‌نگارش وقایع پرداخته است. البته این مسئله، باعث ایجاد بینش محافظه‌کارانه و مصلحت‌اندیشی بیش از حد از سوی معین‌الدین شده‌است. نکته دیگر قابل توجه، آن‌که تاریخ‌نگاری معین‌الدین یزدی در فضای سیاسی- نظامی حاصل از سرزمین‌گشایی‌ها و جنگ‌های پیاپی آل مظفر نگارش یافته و توجه به‌نبردهای گوناگون در این منبع تاریخی، مسئله محوری است. همچنین، معین‌الدین یزدی به‌دنبال ثبت و ضبط فتوحات و پیروزی‌های آل مظفر بود تا از این رهگذر

بتواند مشروعیت لازم جهت تحکیم پایه‌های سلطنت آنان را نیز فراهم کند و البته از مراحم ملوکانه آنها نیز بهره‌مند گردد. با این حال، توجه معین‌الدین یزدی به سایر ملوک همجوار همچون آل اینجو، آل چویان و حتی قراختایان کرمان که با مظفریان از طریق ازدواج سیاسی، پیوند داشتند در کنار پرداختن به برخی موضوعات اجتماعی و البته ارائه اطلاعات جغرافیایی و کیهانی، ارزش اثر را دوچندان می‌کند.

معین‌الدین یزدی در نگارش مقدمه *مواهب الهی* همچون یک اندیشمند صاحب‌خرد، قلم‌فرسایی نموده‌است. اما در متن کتاب با توجه به هدفی که برای خویش در نگارش متن ترسیم نموده، به شرح وقایع، با تأکید بیش از حد بر اراده و تقدیر الهی، نگاه به شدت سلطنت محور و نخبه‌گرا و با بینشی سیاسی و اعتقادی، اقدام نموده‌است. معلم یزدی، چندان به چرایی و بیان علی و معلولی رویدادهای تاریخی نمی‌پردازد و بیشتر از منظر آل مظفر و خوشایند آنان به حوادث بی‌شمار این دوره پر هرج و مرج می‌نگرد. معدود علت‌یابی‌های معین‌الدین یزدی در مورد حوادث این دوران، بیش از آن که ریشه در واقعیت داشته باشد، متأثر از نوع نگرش مذهبی اوست. وی، نگاهی شریعت‌مدار و تقدیرگرا به رویدادها دارد. از معین‌الدین یزدی که در حکومت آل مظفر دارای مناصب رسمی بود و اثر خویش را نیز به سلاطین مظفری اهدا نمود، نباید انتظار نگارش تاریخی منصفانه داشت؛ گاهی اوقات نیز که علت واقعی برخی رخدادها را به‌ویژه پیرامون عملکرد دشمنان و رقبای آل مظفر، بیان می‌کند، از آن رو است که این علت‌یابی هیچ خللی به جایگاه آل مظفر وارد نمی‌کند.

در بینش معرفت‌شناسانه یزدی، هدف تاریخ عبرت‌آموزی و رسیدن انسان مختار اندیشمند، به حقیقت است. نگاه وی به حوادث تاریخی، خطی است. مبدأ و مقصد مشخص و مسیر، باید الهی و در خدمت خداوند باشد. افزون بر این، یزدی نگاه کاملاً خردگرایی به رویدادها و وقایع ندارد و آن چه در اندیشه وی اصل اساسی است، مشیت‌گرایی اوست که هر حادثه را در درجه نخست نتیجه تقدیر الهی می‌داند و اختیار انسان را در طول اراده خداوند معنا می‌کند. به این ترتیب، بینش‌های تاریخی، سیاسی و اعتقادی به عنوان مهم‌ترین اندیشه‌های حاکم بر ذهن معین‌الدین یزدی، روش تاریخ‌نگاری او را نیز تحت تأثیر قرار داده‌است. یزدی با این گرایشات فکری، از آیات قرآن و احادیث فراوان بهره برده و با آوردن این مطالب در سراسر اثر خویش، قصد اشاره به این مهم را داشت که خداوند همراه حاکمان آل مظفر است و دشمنان از این امر غفلت کردند که نمی‌توانند مقابل قهر و غلبه خداوند ایستادگی کنند. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، تأثیرپذیری معین‌الدین یزدی از شغل و مناصب خویش است در این دوران به عنوان یکی از ارکان دیوانی، عالم دینی و مدرّس در مدارس و دارالسیاه یزد، که کاملاً آشکار است. کاربرد بیش از حد اندیشه‌های دینی در نگارش اثر *مواهب الهی* به‌منظور دست یافتن به هدف اصلی مؤلف که همانا مشروعیت‌بخشی دینی به حکومت آل مظفر بود، قابل توجیه است. همچنین، می‌توان اندیشه‌های سیاسی معین‌الدین یزدی همچون توجه عمیق به حق الهی سلطنت، عدالت، شجاعت، توأمانی دین و دولت و... را در لابه‌لای شرح جنگ‌ها و فتوحات و ذکر اقدامات نخبگان عصر، استنباط نمود. طبق بینش یزدی، سلطان مظفری فرمانروایی الهی و نماینده و سایه خدا بر روی زمین به‌شمار می‌آمد. این نگرش در اندیشه ایرانشهری و سپس در فرهنگ سیاسی ایران در دوران اسلامی، مقام خاصی برای پادشاه به‌همراه می‌آورد که همان بهره‌مندی از فره ایزدی و کسب منصب ظل‌اللهی است. این اصول نظری، می‌تواند ما را به شناخت بینش سیاسی و تاریخی معین‌الدین یزدی، رهنمون سازد.

یزدی در نگارش *مواهب الهی* همچون مورخان سلف خویش، تحت تأثیر گفتمان و بینش حاکم بر جامعه عصر خویش، قرار داشته و آن نگرش سلطنت‌محور به رویدادهای تاریخی است. در این رویکرد، تأکید یزدی بر نخبگان سیاسی و دینی

است. بیشتر صفحات *موهّب الهی*، حول محور تمجید از شخصیت امرای مظفری و صحنه‌های رزم آنان با سایر ملوک همجوار یا گروه‌های مختلف راهزن می‌چرخد و افزون بر نقش اراده الهی، علت تمام پیروزی‌ها و برقراری امنیت و عدالت را شخص سلطان معرفی می‌کند. رویکرد محافظه‌کارانه معین یزدی در برخورد با اقدامات آل مظفر، ناشی از همین بینش سلطنت‌محور اوست. یزدی در بسیاری از قضایایی که امرای مظفری خطا می‌کردند، بدون هیچ انتقادی سکوت می‌نماید. البته نکته غیرقابل چشم‌پوشی در مورد یزدی آن است که وی به‌عنوان مورخ و فقیه دینی حاضر در حکومتی به‌شدت دین‌مدار، از آل مظفر رضایت داشته و لزوماً بسیاری از اقدامات مظفریان را برای حفظ حکومت و تأمین امنیت و عدالت ضروری می‌پندارد. اما به‌رحال، ترس از عقوبت نوشته‌هایش را نیز داشته‌است که مبدا کتاب او مورد رضایت امیرمبارزالدین و شاه‌شجاع قرار نگیرد. او علت رفتارهای درست و نادرست امرای مظفری را، قضا و قدر الهی بیان نموده‌است. با این همه، کتاب مذکور از برخی جهات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: ۱. تازگی مطالب یزدی در باب آل مظفر و برخی ملوک همجوار، باعث شده که این منبع ارزشمند، به‌الگویی برای مورخین تیموری تبدیل گردد؛ ۲. یزدی در مقدمه اثرش، نگرش قابل توجهی به تاریخ دارد و آن را از علوم عقلی متمایز دانسته و به‌شرح ویژگی‌های آن می‌پردازد؛ ۳. *موهّب الهی* را می‌توان به‌نوعی اندرزنامه نیز تلقی نمود که نویسنده در آن، اندیشه‌های خویش در باب جهان، تاریخ و انسان را مطرح کرده‌است.

## منابع:

### قرآن

- امیرخانی، غلامرضا، *تداوم و تحول در تاریخ‌نگاری ایران (بررسی و تحلیل آثار حافظ ابرو)*، تهران، طرح نقد، ۱۳۹۵.
- بالانی، پیوند، *شرح دشواری‌های جلد اول مواهب الهی در تاریخ آل مظفر*، رساله دکتری، استاد راهنما زهرا ریاحی زمین، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات، ۱۳۹۱.
- پورداد، ابراهیم، *یشت‌ها*، ج ۱ و ۲، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
- ترکمنی‌آذر، پروین، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری در ایران از قرن سوم تا ششم هجری*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
- چایلد، گوردون، *تاریخ (بررسی نظریه‌هایی درباره تاریخ‌نگاری)*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۳۵.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، *زیده‌التواریخ*، تصحیح حاج سید جوادی، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۸۰.
- خواجه نصیر طوسی، محمد، *اساس‌الاعتباس*، به کوشش مدرس رضوی، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
- دالوند، حمیدرضا، «مواهب الهی، نیم قرن انتظار»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۸۳-۸۱، ۱۶۷-۱۶۴، ۱۳۸۳.
- زاگزبسکی، لیندا، *معرفت‌شناسی*، ترجمه کاوه بهبهانی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲.
- زمانی، علی‌محمد؛ طاووسی، محمود، «فره ایزدی و بازتولید آن در اندیشه سیاسی ایران پس از اسلام»، *مطالعات ایرانی*، شماره ۵، ۶۵-۴۱، ۱۳۸۳.
- ساروخانی، *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۵.
- ستوده، حسینقلی، *تاریخ آل مظفر*، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- طباطبایی، جواد، *خواجه نظام‌الملک، گفتار در تداوم فرهنگی ایران*، تبریز، نشر ستوده، ۱۳۸۵.
- فیاضی، غلامرضا، *درآمدی بر معرفت‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
- فیاض انوش، ابوالحسن؛ عظیمی زواره، ندا؛ اللهیاری، فریدون، «گونه‌شناسی نحوه تقایب جامعه ایرانی پس از هجوم مغول»، *پژوهش‌های تاریخی*، شماره ۲، سال ۱۰، ۱۰۰-۱۲۰، ۱۳۹۷.
- قادری، حاتم، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- کتبی، محمود، *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- محمودی میمند، پروین، *شرح مشکلات کتاب مواهب الهی تألیف معین‌الدین یزدی بر اساس: تصحیح و مقدمه سعید نفیسی*، کارشناسی ارشد، استاد راهنما محمد صادق بصیری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۵.
- محمدی، ذکرائه؛ بی‌طرفان، محمد، «انتقال و تحول اندیشه سیاسی فره ایزدی، از ایران باستان به ایران اسلامی، با تکیه بر مبانی اندیشه‌گران ایرانی»، *سخن ایران*، سال ۶، شماره ۱۶، ۳-۳۶، ۱۳۹۱.
- مرتضوی، منوچهر، *مسائل عصر ایلخانان*، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۴.
- معلم یزدی، معین‌الدین، *مواهب الهی*، تصحیح سعید نفیسی، تهران، اقبال، ۱۳۲۶.

همپتن، جین، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵.

حکاک، محمد، «صناعات خمس ارسطویی و روش‌های دعوت قرآنی»، قیستان، سال ۲۴، ۳۵-۵۷، ۱۳۹۸.